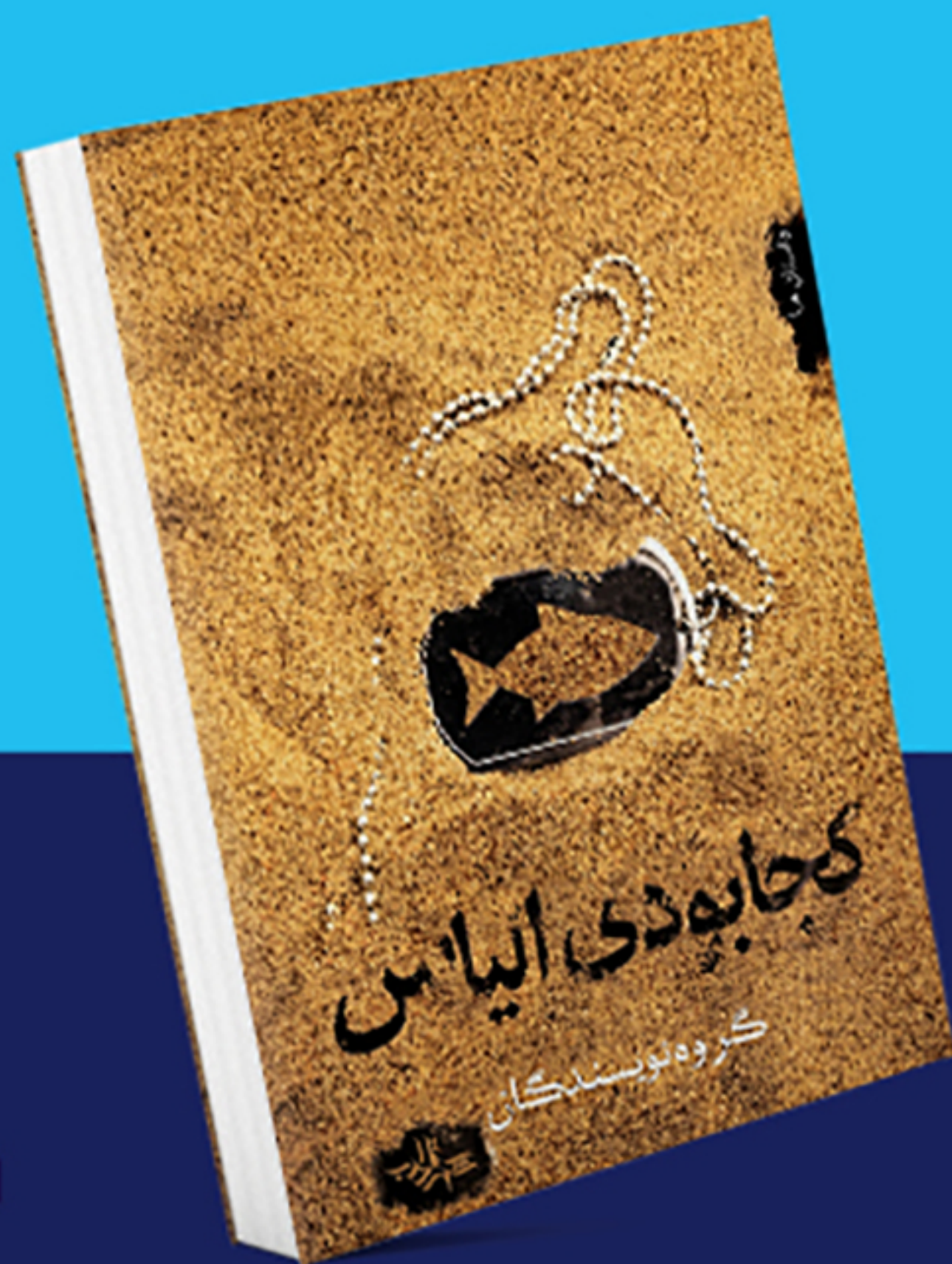


| معرفی کتاب «کجا بودی ایاس؟»

وقتِ جنگِ کجا بودی؟



- عنوان: **کجا بودی الیاس؟**
 - نویسنده: **جمعی از نویسندگان**
 - ناشر: **انتشارات شهرستان ادب**
 - تعداد صفحات: **۱۴۸**
 - توضیحات:
- «کجا بودی الیاس؟» اثر جمعی از نویسندگان کشور است که هر کدام یک داستان درباره غواصان شهید مظلوم و حماسه ساز نوشته اند.

شجاعت تنها در مبارزه مستقیم با دشمن نیست؛ گاهی یعنی، ایستادگی در برابر ترس، امید داشتن و انجام درست کارها در سخت‌ترین شرایط.

موضوع کتاب

کتاب «کجا بودی الیاس؟» داستانی است که برای هر یک از ما که می‌خواهیم تفاوت بین شجاعت و بی‌تفاوتی را بفهمیم، یک معلم بی‌صداست. الیاس، نوجوانی که در کتاب نقش راوی دارد، به همه ما یادآوری می‌کند که سؤال پرسیدن و فکر کردن، اولین قدم برای فهم زندگی و شجاعت است.

داستان درباره ۱۷۵ غواص شهید عملیات کربلای چهارم است؛ جوانانی که با داستان بسته، در دل تاریکی و دشمن،

راه خود را انتخاب کردند و جانشان را فدای وطن کردند؛ اما کتاب صرفاً گزارشی از جنگ نیست. نویسنده با قلمی ساده و نزدیک به زبان نوجوان، احساسات، ترس‌ها و شجاعت این انسان‌ها را زنده می‌کند. وقتی الیاس می‌پرسد «کجا بودی؟» در واقع همه از خود می‌پرسیم: اگر جای او بودیم، چه می‌کردیم؟ آیا شجاعت داشتیم یا تسلیم می‌شدیم؟

ویژگی‌های کتاب

یکی از نکات جذاب کتاب، به تصویر کشیدن دقیق فضای عملیات و زندگی شهداست. نویسنده با جزئیات کوچک، مثل نفس‌های عمیق قبل از شروع عملیات، اضطراب همراهان و حتی لحظه‌های کوتاه شادی و همدلی،

ما را در دل آن روزها می‌برد. این جزئیات باعث می‌شود که خواننده نه فقط تاریخ را بفهمد، بلکه با انسان‌های واقعی در آن شرایط ارتباط برقرار کند و درس‌هایی از وفاداری، همدلی و ایستادگی بگیرد.

کتاب همچنین روان‌شناسی نوجوانان در زمان جنگ را به خوبی نشان می‌دهد. الیاس و دوستانش سؤال‌هایشان از بزرگ‌ترها، نگرانی‌ها و امیدهایشان، همه یادآور این هستند که حتی در دل جنگ، جوانان به فکر آینده و ارزش‌های انسانی هستند. این کتاب به ما می‌آموزد که شجاعت تنها در مبارزه مستقیم با دشمن نیست؛ گاهی شجاعت، ایستادگی در برابر ترس، امید داشتن و انجام درست کارها در سخت‌ترین شرایط است.

یکی از جنبه‌های مهم کتاب، پیوند ایمان و قدرت است. شهدا، با باور به خدا و توکل به او، نه فقط در ظاهر از خود شجاعت نشان دادند، بلکه از نظر روحی و درونی هم شجاع و محکم بودند. این همان نکته‌ای است که قرآن در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» به آن اشاره می‌کند: آماده باشید و با تمام توان قدرتمند شوید. کتاب نشان می‌دهد که ما به‌عنوان یک نوجوان نیز می‌توانیم با آموزش، تمرین و رشد شخصی، قدرت واقعی یعنی توانایی مقابله با ترس و چالش‌ها را به دست بیاوریم.

الیاس و دوستانش، معلمان بی‌صدای ما هستند. وقتی شهدا در عملیات حاضر می‌شدند و جان می‌دادند، آن‌ها با عمل خود ما نوجوانان امروز را مخاطب قرار داده‌اند تا بدانیم

که هر لحظه زندگی ارزشمند است و هر انتخاب می‌تواند مسیر آینده را تغییر دهد. کتاب با تأکید بر این پیام، خواننده را به تفکر درباره مسئولیت‌ها و اثرگذاری‌اش در جامعه دعوت می‌کند.

یکی دیگر از نقاط قوت اثر، بیان واقعیت مرگ و زندگی به صورت هم‌زمان است. شهدا رفتند، اما یاد و اثر آن‌ها باقی مانده است. کتاب همچنین به احساس تعلق، وفاداری و هویت ملی توجه دارد. ما هنگام خواندن متوجه می‌شویم که ارزش‌های انسانی و وطن‌دوستی، فراتر از زمان و مکان هستند. وقتی الیاس از ما می‌پرسد «کجا بودی؟» در واقع از هر یک از ما می‌پرسد که در لحظات سخت، آیا می‌توانیم در برابر ناعدالتی و چالش‌ها ایستادگی

کنیم؟ این سؤال، همان چیزی است که باعث می‌شود کتاب را نه فقط بخوانیم، بلکه در ذهن و دل خود مرور کنیم و با زندگی واقعی پیوند دهیم.

برشی از متن کتاب

الیاس جان...! خبر دادند که داری برمی‌گردی...
بعد از سی‌سال، یک‌سال کم... اما نه با پای خودت!
نگفتند کی می‌رسی... ولی از وقتی شنیدم از مرز رد شده‌ای،
بی‌تاب شده‌ام...

دارم برای دیدنت لحظه‌شماری می‌کنم!
چند سالی بود که حس و حالی شبیه این را در کوچه و
خیابان ندیده بودم...
یک‌دلی و یکرنگی، کیمیا شده! نمی‌دانی چه حالی دارم؛

از بس حرف نگفته دارم نمی‌دانم از کجا و چطور شروع کنم.
به جای اینکه تو بغض داشته باشی، انگار بغض بیخ گلوی
من را گرفته است!

برای همین، حرف‌هایم را برایت می‌نویسم تا از یادم نرود.
از این حرف‌ها بگذریم... مانده‌ام چطور توی رویت نگاه
کنم! با خودم قرار گذاشته بودم چندجایی بروم ولی
هیچ جا نرفته‌ام.

یکی‌شان که خیلی دوست داشتم بروم، جشن بهارنارنج
لنگرود بود... در ارتفاعات پرشکوه.

به خاطر سرمای دیرهنگام اردیبهشت‌ماه، یکی دو هفته
جشن را به تأخیر انداخته‌اند. تقدیر را می‌بینی؟!
حالا خبر آورده‌اند که تو داری می‌آیی، آن هم در بهار...!